

«شورای محلی» یکی از مهم‌ترین جلوه‌ها و عناصر مولد سرمایه اجتماعی است. این نهاد تبلور عینی مدنیت، مشارکت و تعامل مدنی به‌شمار می‌آید و نشانه بارز حضور هم‌زمان حاکمیت مردم و خرد جمعی است.

همان‌طور که هویت یک سیستم، از ارتباطات متقابل، سازمان‌دار و اجزای آن شکل می‌گیرد، گونه‌های تعامل در جامعه نیز هویت نظام اجتماعی را معرفی و توصیف می‌کند. اما چند و چون این تعامل، خود مبتنی بر سرشت و شخصیت اجتماعی و فرهنگ جامعه است. حتی اگر قانونی شدن تعامل، نتیجه فشار روشنفکری و دستمایه تلاش روشنگران باشد، یا حکومت، به اقتباس یا تقلید از دیگران ساختارهای تعاملی شهروندی را رسمیت بخشیده باشد، ممکن است ناتوانی سرشت ملی، اصل تعامل یا اصالت هویت آن را مخدوش سازد که به گمان پژوهشگران، این، بارزترین مانع توفیق و بقای شوراهای محلی است.

در این نوشته تلاش می‌شود تا از روزنه «سیاست ناحیه‌محوری شهرداری تهران»، به شوراهای اسلامی شهر، ظرفیتها و توانایی آنها در ماندگاری، نگاه و دستاورد آن گزارش شود.